

فصلنامه علمی فرهنگی اجتماعی

مصباح



سال دوم زمستان ۱۴۰۲ شماره ۱۰

انجمن علمی آموزش زبان عربی

دانشگاه فرهنگیان قم

پردیس حضرت معصومه (س)

سخن سردییر

سلام گرم ما همراه با آرزوی سلامتی و موفقیت روزافزون، نثار همراهان و خوانندگان گرامی فصلنامه علمی-اجتماعی عربی.

اکنون که بار دیگر خداوند متعال توفیق داد تا بتوانیم با شماره ای دیگر از فصلنامه در خدمت شما باشیم، پیش از کار و بیش از هر چیز، شایسته است که شکرگزار الطاف و کمک های الهی باشیم که در این مدت نصیب ما شده است. همچنین هم زمانی انتشار این شماره، با ماه میهمانی الهی را غنیمت شمرده، مفید و موثر بودن مطالب آن را آرزو می کنیم.

در پایان از همه کسانی که علاقه مندانه در ارائه مطالب ما را یاری کرده اند صمیمانه قدردانی می نماییم.

با احترام

حنانه صالح

شناسنامه

مدیر مسئول: یگانه قاسمی

سر دبیر: حنا صالِح

اعضای هیئت تحریریه: مهدیه بنده شوقی، لیلا سهرابلو، مبینا نیازی، مائده ترابیان،
عارفه عبداللہیان

طراح جلد و صفحه آرا: محیا احسن

اعضای هیئت ویراستاری: زهرا بشری، حنا صالِح، مهدیه آقایی، ریحانه قاسمی چفته

فہرست

- ۲۲ بہمن ۳
- سردار دلہا ۴
- از ولایت تا شہادت ۶
- سید رضی ۷
- احمد حسن زویل ۸
- مصاحبہ با یک دبیر عربی ۹

یوم الله

روز جوانه زدن امید

روز بهای خون

روز طلوع شفق بر کرانه فجر

۲۲ بهمن! در روز تولدت در پس هر
خیابانی بوسه ی خون زدیم تا نامت بر
تک تک کوچه هایمان حک شود.
۲۲ بهمن! ما بهای جان هایمان را به
بیگانه نمی دهیم.

ما خون هایمان را گلی نمی کنیم.
۲۲ بهمن! مادرت ایران از داشتن تک
نگین انگشترش مفتخر است.

۲۲ بهمن! برای طهارت تو ایران را
غسل خون دادیم تا گرد آلودگی بر تن
ایران ننشیند.

۲۲ بهمن! تک فرزند پینه دوز مادرت
ایران، تو که در روز جدایی مهر وصلت
بر ایران زدی.

ای تک فرزند عشق دوستت داریم...



وعدۀ الله، روز عشق، روز شکوه
نمیدانم چه نامی بر تن بی نقص تو
برازنده می شود.

چه می دانند سبک دلان که
اقیانوس خون ایران چه ژرفایی
دارد؟ چه می دانند که بی مهابا
خود را در اقیانوس تو انداخته و
برای خشکیدن اقیانوست تلاش
می کنند.

سردار دلها

دادن سر نه عجب داشتن سر عجب است

کوچه هایمان را به نامشان کردیم که
هرگاه آدرس منزلمان را می دهیم بدانیم
که از گذرگاه خون کدام شهید است، که
با آرامش به خانه می رسیم.

و قسم به نام تو ای قاسم، ای سردار،
جهانی با صدای بلند همراه سید علی
فریاد زدند: **اللهم لا نعلم منه الا خيرا.**

خون تو در رگ تمام ایرانیان جوشید و
هر ایرانی یک قاسم سلیمانی شد.

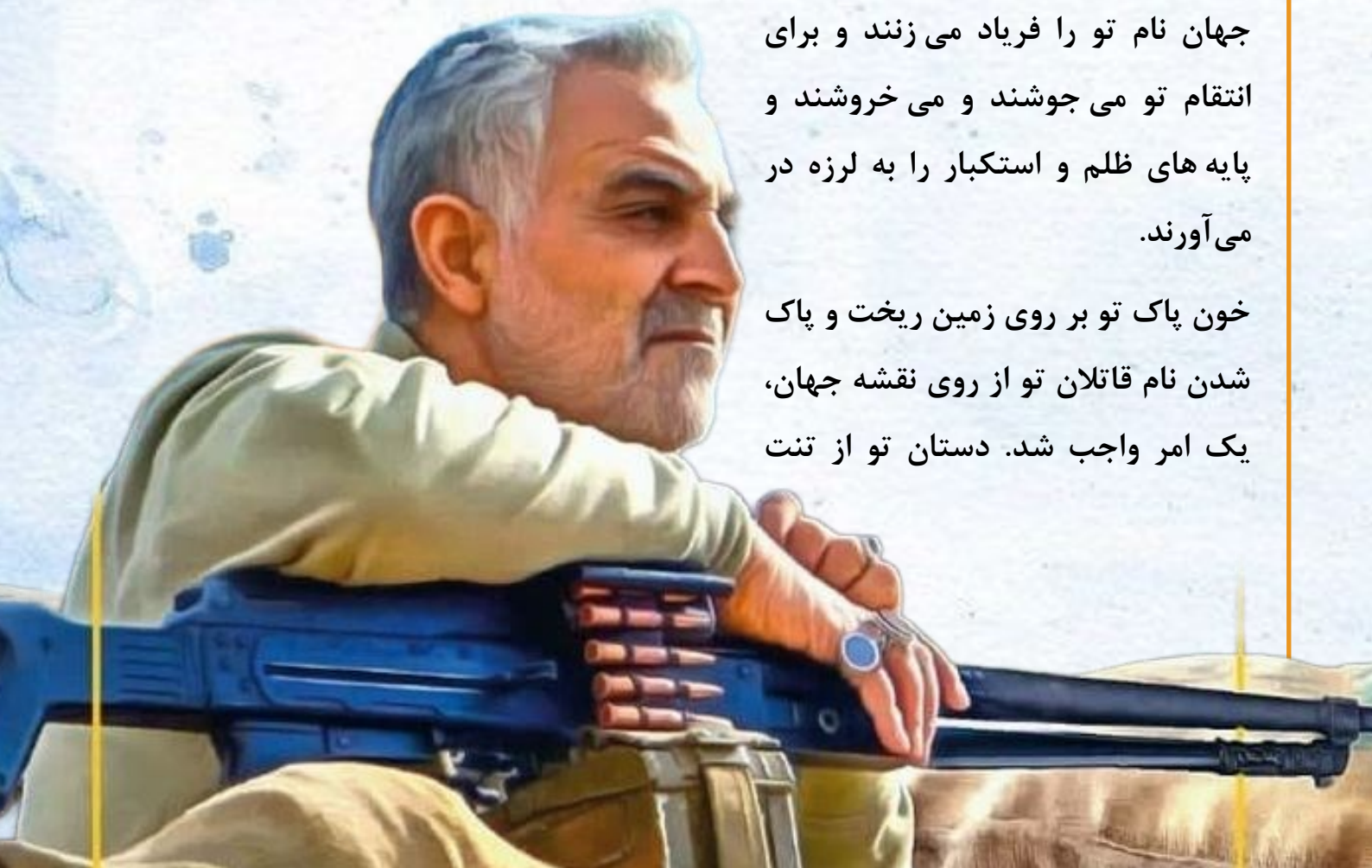
سوگند به چشمان تو که با شهادت
عاشقان تو مانند اقیانوسی خروشان، در
جهان نام تو را فریاد می زنند و برای
انتقام تو می جوشند و می خروشدند و
پایه های ظلم و استکبار را به لرزه در
می آورند.

خون پاک تو بر روی زمین ریخت و پاک
شدن نام قاتلان تو از روی نقشه جهان،
یک امر واجب شد. دستان تو از تنت

عاشقان را سر شوریده به پیکر عجب است

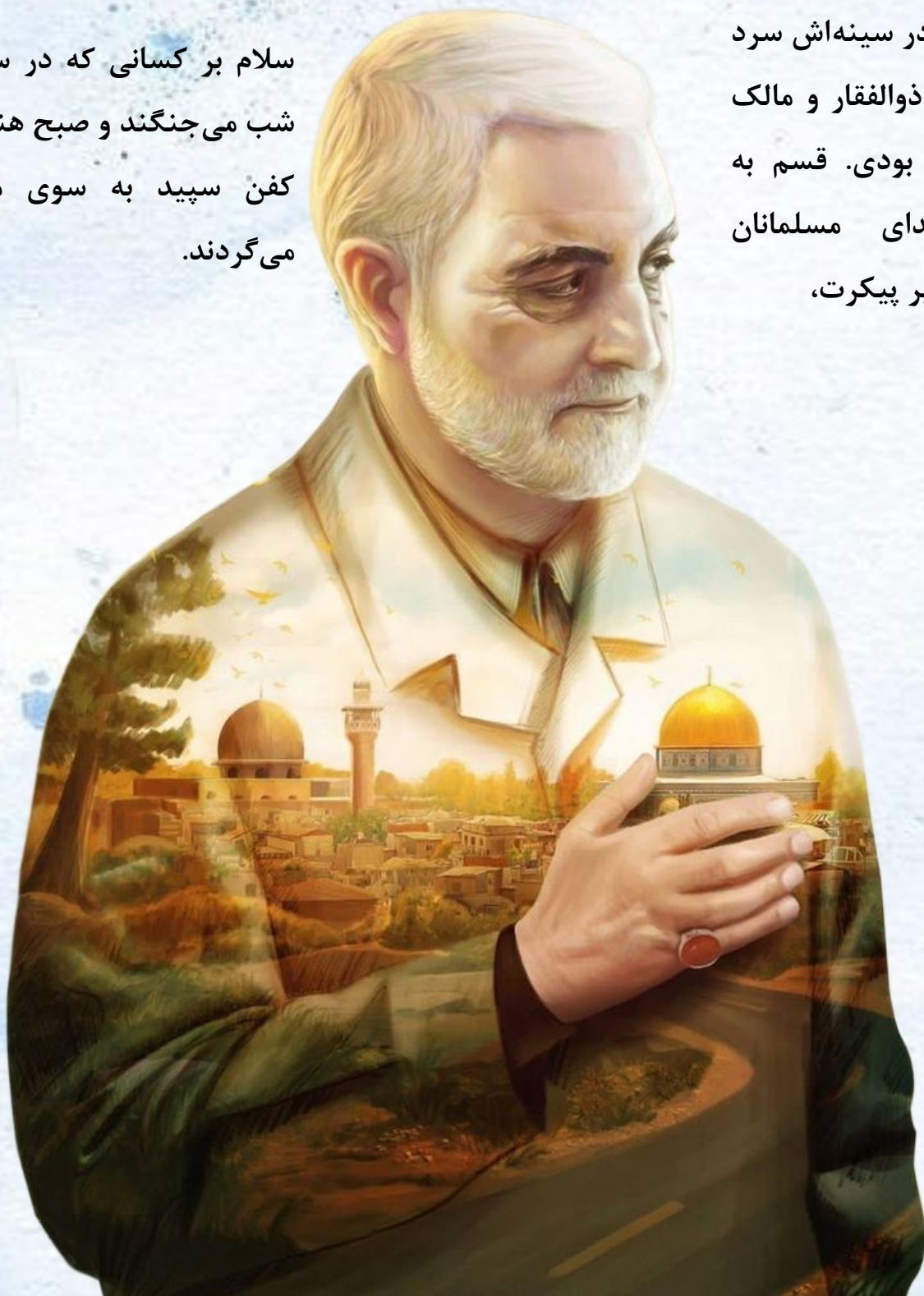
جدا شد و در دست همه علم **نحن**
عباسک یا زینب برافراشته شد.

ای سردار در قنوت نمازت چه خواندی که
در محضر قمرینی هاشم روسفید شدی...
چه ذکری زیر لب گفتی، که مانند علی
اکبر(ع) اربا اربا شدی... تو سرت در
محضر اربابمان بالاست، زیرا اجازه ندادی
بار دیگر نامحرمان به دور حضرت زینب
(س) و حضرت رقیه(س) حلقه بزنند و
دوباره زنی به اسارت برود و کودکی بهانه
پدر را بگیرد.



و دلگیرتر از ساعت ۱:۲۰ دقیقه نیست. زیرا کودکان مظلوم شهدا بار دیگر غم یتیمی را بر شانه هایشان احساس کردند. حالا وقت گفتن از مردی است، که داغ تو هیچگاه در سینه‌اش سرد نمی‌شود و ذوالفقار و مالک اشترش تو بودی. قسم به بغض مقتدای مسلمانان هنگام نماز بر پیکرت،

قدس را برای خون بهایت آزاد خواهیم کرد و در صف یاران مهدی فاطمه (س) شمشیر می‌کشیم و مانند وهب خون خود را در راهش فدا می‌کنیم. و خداوند تورا پاکیزه پذیرفت... سلام بر کسانی که در سیاهی شب می‌جنگند و صبح هنگام با کفن سپید به سوی ما باز می‌گردند.



سلام فائزه جان!

میدانم اکنون که این دلنوشته را برای تو مینویسم، تو کنارم هستی و خط به خط آنچه از ذهن من می‌گذرد را حفظی.

فائزه جان! نمی‌دانم تفاوت بین تو و من چیست که لایق شهادت بودی و من... البته شاید من هم اگر مثل تو دل سیر از دنیا بودم لایقش بودم، شاید...

فائزه جان! آن روز که خبر شهادتت را دادند، دلم گرفت از دنیایی که شهادت را نصیب اهلش می‌کند؛ نصیب کسی که از زندگی اش بوی شهادت می‌بارد.

فائزه جان! مهر خون را بر سند عاشق علی بودند زدی و در کنار پرونده اعمال امضای حاج قاسم را کاشتی...

فائزه جان! شهادت می‌چرخد و می‌چرخد و هر بار دستش را بر شانه لایقش می‌گذارد.

فائزه جان! افسوس در سفر عاشقیت غایب راه بودم؛ هر بار از مردم دست گرفتی و این بار حاج قاسم چه زیبا دستت را گرفت.

فائزه جان! کتاب تنها گریه کن را به تنهایی خواندی و به سوی سفر گریه شهدایی، گام برداشتی.

فائزه جان! می‌گویند لباس سفید و قرمزت، رخت عروس ابدیت شده و به زیبایی به تنت نشسته؛ گویا شهادتت از پیش تعیین شده بوده...

فائزه جان! ای معلم درس شهادت، ای معلم عشق حاج قاسم، ای معلم مسیر شهدا؛ حقا که چه قدر زیبا تدریس کردی...



سید رضی موسوی (معروف به سید رضی) در سال ۱۳۴۲ در چاشم، از توابع مهدی شهر در استان سمنان دیده به جهان گشود.

اولین سابقه های سید رضی به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران برمی گردد. در سن ۱۷ سالگی به عضویت سپاه زنجان درآمد و با وجود مخالفت های پدر به عنوان رزمنده زنجانی در جبهه حضور یافت و رشادت های خود را نشان داد، در همان حین جنگ، به عنوان نظامی ایرانی در لبنان حضور یافت. سید رضی علاوه بر خدمت به نظام جمهوری اسلامی با حضورش در سپاه پاسداران، خدمت به خاندان مطهر اهل بیت (علیهم السلام) را نیز در برنامه کاری خود جای داده بود و خادم حسینیه اعظم زنجان بود. بعد از مدتی از سربازی به سرداری رسید. سید رضی بعد از عضویت در سپاه در سوریه، عضو

ثابت پای کار و یکی از یاران باوفای حاج قاسم شد. موسوی، مستشار ارشد سپاه پاسداران جمهوری اسلامی و از چهره های برجسته در ایجاد ائتلاف نظامی بین ایران و سوریه بود. وی از دهه ۱۳۷۰ «مسئول پشتیبانی و لجستیک نیروی قدس سپاه در سوریه» بود و نقش مهمی در حفظ حکومت بشار اسد پس از آغاز جنگ داخلی سوریه داشت. موسوی با حزب الله لبنان رابطه نزدیکی داشت و در اردیبهشت ۱۳۹۵ هنگام شهادت مصطفی بدرالدین، او نیز یکی از اهداف اصلی این حملات بود. برخی کارشناسان او را در زمره برجسته ترین و بزرگ ترین فرماندهان سپاه پاسداران می شمارند.

و در نهایت کتاب زندگی سید رضی در ۴ دی ماه ۱۴۰۲، طی جنگ اسرائیل و حماس در اثر حمله هوایی اسرائیل در سوریه بسته شد. بعد از شهادت سید رضی، سپاه پاسداران او را به عنوان یکی از مستشاران باسابقه نظامی معرفی کرد.

سید رضی موسوی
شهید



احمد حسن زویل

یکی از دانشمندان معاصر عرب زبان ، احمد حسن زویل، متولد 26 فوریه ۱۹۴۶ شیمی‌دان مصری-آمریکایی، معروف به (پدر فمتوشیم) است، این استاد شیمی و پروفیسور فیزیک، مدیریت مرکز زیست شناسی فیزیکی موسسه فناوری کالیفرنیا را نیز بر عهده داشت، این دانشمند معاصر عرب زبان در سال 1976 به سمت هیئت علمی این موسسه درآمد و اولین کرسی لینوس پاولینگ را در فیزیک شیمی ایجاد کرد که این موفقیت در دنیای عرب زبانان بی سابقه بود، او در 5 مارس 1982 تبعه ایالات متحده شد. وی

در سال 1999 به عنوان اولین دانشمند مصری، جایزه نوبل شیمی و هم چنین بالاترین نشان دولتی مصر، نشان بزرگ نیل را دریافت کرد، احمد حسن زویل در اکتبر 2006، جایزه جهانی علم آلبرت انیشتین را به دلیل پیشرفتش در زمینه فمتوساینس دریافت نمود. احمد حسن زویل و چند دانشمند دیگر در سال 2010 از طرف ایالات متحده ، جهت بازدید از کشورهای مسلمان نشین شمال آفریقا تا آسیای جنوب شرقی به آن مناطق اعزام شدند. زویل در جریان اعتراضات مصر در سال 2011، به کشورش بازگشت، او عنوان کرد که در کنار ایمن نور، رقیب مبارک در انتخابات ریاست جمهوری 2005 و یک وکیل برجسته، به کمیته اصلاحات قانون اساسی مصر خواهد پیوست، بعدها زویل به عنوان واسطه بین دولت وقت مصر و گروه های جوانان انقلابی مانند :جنبش



مصاحبه با یک دبیر عربی

مصاحبه شونده: خانم داوری نسب، دبیر عربی (۴) مقطع تحصیلتون چیه؟

(مصاحبه کننده، خانم بهادری دانشجو معلم دکترا ادبیات عرب

ورودی ۹۸ هستند.)

(۵) به نظر شما یه معلم خوب چه ویژگی هایی

باید داشته باشه؟

(۱) چند سال سابقه دارید؟

یک معلم در ابتدا باید به آن چیزی که درس می دهد علاقه مند باشد تا بتواند این علاقه را در دانش آموزان خود هم ایجاد کند، مورد دوم اینکه آشنایی کامل با انواع روش های تدریس داشته باشد و متناسب با دانش کلاس خود شروع به تدریس کند، با نوجوانان و دانش آموزان خود همدل و همسو باشد و در عین حال یک معلم باید که بتواند کلاس خود را رهبری کند، رهبری که هم از جنس اقتدار باشد و هم از جنس همدلی و دوستی.

(۶) اگر بخواهید از جوانی مجدد شغل انتخاب

کنید، چه شغلی رو انتخاب می کنید؟

همین شغل معلمی را انتخاب می کنم.

(۷) از بین دروس ادبیات، معارف و عربی کدام

درس رو بیشتر دوست دارید تدریس کنید؟

معارف را خیلی دوست دارم و در این زمینه مطالعه بسیاری دارم.

(۸) مطالعات آزاد غیردرسی دارید یا نه؟

بله به خصوص در زمینه تاریخ عرب و تاریخ اسلام.

۲۱ سال سابقه کار دارم. اوایل در روستاها خدمت میکردم بسیاری از دوستان من علاقه مند بودند که در شهر درس بدهند ولی من تجربه های بسیار خوبی در تدریس در روستاها به دست آوردم و یکی از عوامل موفقیت من تدریس در روستا است.

(۲) شما در عرصه مقاله نویسی فعالیتی دارید؟

بله دارم و در زمینه زبان عرب بسیار کار کردم، برای مثال در زمان ارشد و دکترا خود مقاله های بسیاری را ارائه کرده ام.

(۳) شما معلمی رو از کجا شروع کردید؟

از طریق تربیت معلم



گروهی کمتر می توان استفاده کرد؛ چون اگر در فعالیت های گروهی مطلبی یا چیزی گفته شود که دانش آموزان در مورد آن اطلاعی ندارند؛ باعث می شود که یک چیز غلط در ذهن دانش آموز جای بگیرد. من سعی می کنم بعد از تدریس و آموزش برای حل تمرین و پرسش از مشارکت و بحث گروهی استفاده کنم ولی در زمان تدریس سعی می کنم ابتدا مطالب را کامل و درست به دانش آموزان انتقال دهم و در زمان تمرین، دانش آموزان به صورت گروهی تمرین را حل کنند.

(۱۲) معمولاً میانگین نمرات دانش آموزانتان چند است؟

کمترین نمره ۱۷ و بیشترین نمره ۲۰ بوده است.

(۱۳) دو ویژگی منفی خودتون رو بگین.

کمال طلبی بیش از حد.

(۱۴) دوست دارید ۱۰ سال آینده در چه موقعیت و جایگاه اجتماعی باشید؟

در همین جایگاه اجتماعی و نوشتن کتابی در مورد تجربیاتم در مدارس از مدارس روستایی تا مدارس عالی همچون فرزندان و سمپاد.



(۹) به نظر شما چند درصد از مشکلات دانش آموزان در عرصه ی یادگیری به خانواده هایشان و چند درصد به فضای آموزشی و امکانات و چند درصد به معلم و در نهایت چند درصد به خود دانش آموزان، مربوط میشود؟

به نظر من حدود ۵ درصد به خانواده، ۳۰ درصد به امکانات آموزشی ۶۵ درصد بقیه به خود دانش آموز مربوط می شود.

(۱۰) نحوه ی تدریس شما چگونه است؟

نحوه تدریس من به این شکل است که هر درس را به چندین بخش تقسیم می کنم، وقتی که هدف کلی را به هدف های کوچک تر تقسیم کنیم آموزش و رسیدن به هدف ها بهتر انجام می شود. برای مثال من اول کلمات و متن را تدریس می کنم و بعد از دانش آموزان اینها را می پرسم و بعد مکالمه را تدریس می کنم و بعد شروع به حل تمرین می کنم. سعی می کنم ابتدا مشکلات پایه های قبلی به جا مانده را برطرف کنم. مثلاً تا دانش آموز فعل ماضی را خوب یاد نگرفته باشد نمی تواند فعل مضارع را یاد بگیرد. پس ابتدا به مرور و رفع اشکال فعل ماضی می پردازم و سپس فعل مضارع را درس می دهم.

(۱۱) طبق سابقه ی شما، چه نوع روش تدریسی

می تواند مفید و موثر واقع شود؟

به نظر من درس عربی بیشتر معلم محور است زیرا معلم دانش آن را دارد و در تدریس آن از فعالیت های

۱۵) اگر یکی از بچه ها جلسه های مکرر با تأخیر بیاد سر کلاس چه برخوردی باهاش دارید؟

نظر من هر انسانی برای انجام کاری یک شیوه ای دارد، به عنوان مثال یک نفر با تنبیه یک نفر با تشویق و یک نفر با تبلیغ یا اقناع به کاری تشویق می شود من سعی می کنم دانش آموزان را بشناسم تا بتوانم راه های ایجاد انگیزه و علاقه را در آن ها پیدا کنم.

۱۶) اگر یک دانش آموز سر کلاس گریه کند، چه می کنید؟

وقتی را برای او در نظر می گیرم و شروع به صحبت کردن با او می کنم یا او را به مشاور مدرسه راهنمایی می کنم.

۱۷) به نظر شما دانش آموزان، به دنبال چه معلمی هستند؟

معلمی که با آنها دوست باشد، شوخ طبع باشد و در عین حال سوالات آنها را جواب دهد، تدریس خوبی داشته باشد و بچه ها بتوانند از آن درس در کنار زحمات خودشان و حالا با کمی ارفاق نمره خوبی را کسب کنند، کلاس برایشان جذاب باشد. نه خسته کننده و خواب آور.

۱۸) آیا شما در کلاس های آموزشی، کارگاه های آموزشی و غیره آموزش دیده اید؟

بله، بخصوص در زمینه تلفظ عربی و صحبت کردن کلاس هایی را شرکت کرده ام و سعی کرده ام دانش خود را بیشتر کنم.

۱۹) شما از چه راهکارهایی برای جلب توجه دانش آموزانتان به درس استفاده می کنید؟

۲۰) آیا کلاس درس شما دانش آموز محور هست یا معلم محور؟ چرا؟

معلم محور به دلیل اینکه درس من که شامل قواعد عربی می شود، باید به طور کامل و صحیح درس داده شود. ولی در مورد حل تمرین دوست دارم دانش آموز محور باشد.

۲۱) هر توصیه یا مطلب خاصی مدنظرتون هست، بفرمایید.

توصیه بنده این است که باید هر کاری را درست و با علاقه و با عشق انجام داد و به قول پیامبر (صلی الله علیه و سلم) هر کاری را که انجام دهید آن را محکم

انجام دهید منظور از محکم انجام دادن این است که کار را درست و کامل انجام دهید، اگر معلمی می کنید درست معلمی کنید، اگر آشپزی می کنید درست آشپزی کنید و اگر هر کاری را می کنید با عشق و کامل انجام دهید.

